



سرشناسه: مرزوقی، جمال، ۱۹۵۳-م.  
عنوان قرارداد: فلسفه التصوف محمد بن عبد الجبار النفری. فارسی  
عنوان و نام پدیدآور: فلسفه عرفان نفری/مؤلف جمال احمد سعید المرزوقی؛  
مترجمان: علیرضا حاجیان نژاد، عدنان طهماسبی؛  
ویراستار محتوایی: محسن دریاییگی؛ ویراستار: بهار دانشور.  
مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۲۹۴ ص: ۵/۲۱×۱۴/۱۴ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۷۲-۰۲۲-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۸۹-۲۹۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: نفری، محمد بن عبد الجبار، - ۳۵۴ ق. -- نقد و تفسیر

موضوع: صوفیان -- عراق -- سرگذشت نامه Sufis -- Iraq -- Biography

آداب طریقت \* Customs of the order

شناخت (عرفان) \* (Knowledge, Theory of (Mysticism)

وحدت شهود \* Intuitional pantheism

شناسه افزوده: حاجیان نژاد، علیرضا، ۱۳۴۴-، مترجم

شناسه افزوده: طهماسبی، عدنان، ۱۳۳۶-، مترجم

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل

رده بندی کنگره: BP۲۸۷/۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۲

شماره کتابشناختی ملی: ۹۵۰۳۴۹۸

اطلاعات رکنوزن کتابشناختی

شرکت چاپ و نشر بین الملل

عنوان: فلسفه عرفان نفری

مؤلف: د. جمال احمد سعید المرزوقی

مترجمان: علیرضا حاجیان نژاد و عدنان طهماسبی

ویراستار: بهار دانشور

صفحه آرا: سید احسان عابدی

طراح جلد: محمد عباس زاده

نوبت چاپ: اول • تابستان ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۷۲-۰۲۲-۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

فلسفه عرفان نفری



۱۰۱۲۷۳۶۷

۱.۹۵۰۰۰۰ ریال

دفتر مرکزی: تهران، میدان استقلال، سعدی جنوبی، پلاک ۲، طبقه سوم

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۲۲۹۵۹ • نمایر: ۰۲۱-۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی: میدان فلسطین، ضلع شمال شرق، پلاک ۴ و ۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۲۱۹۸۰ • نمایر: ۰۲۱-۳۸۴۳۸۸۹

مرکز پخش قم: بلوار نیایش، جنب مصلی قدس

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۸۹۵۷

Email: Shchaponashr@gmail.com

nashrebeynolmelal.ir

همه حقوق محفوظ است.

# فهرست

مقدمه مترجمان ..... ۹

مقدمه نویسنده ..... ۱۷



بخش اول: زندگی و آثار نقری ..... ۲۱

فصل اول: زندگی نقری ..... ۲۱

۱. مقدمه ..... ۲۳

۲. نام و لقب و نژاد و خانواده نقری ..... ۲۵

۳. وفات نقری ..... ۲۹

۴. اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ..... ۳۵

الف) اوضاع اجتماعی این دوره ..... ۳۶

ب) اوضاع فرهنگی و فکری این دوره ..... ۳۷

۵. جایگاه تصوف نقری و تأثیر او بر صوفیان بعد از خود ..... ۳۷



فصل دوم: آثار نقری ..... ۵۳

۱. درآمد ..... ۵۵

۲. طبقه بندی کامل آثار نقری ..... ۵۸

الف) آثار منثور ..... ۵۸

ب) آثار منظوم ..... ۶۸

۳. سبک نقری در آثارش ..... ۷۵

۱. ویژگی صوفیانه ..... ۷۵

۲. ویژگی های ادبی ..... ۸۹

فصل اول: تصوف نقری و فنا ..... ۹۵

۱. فنا از اراده ماسوا ..... ۹۸

الف) ضرورت اعراض از توجه به عمل و عدم عادت ورزی به آن ..... ۹۸

ب) نفی وجود اراده انسانی و ایمان به تقدیر ..... ۱۱۱

۲. فنا از شهود سوا ..... ۱۱۷



فصل دوم: مقامات و احوال ..... ۱۴۷

۱. مقدمه ..... ۱۴۹

۲. مواضع های عملی ..... ۱۵۱

الف) ذکر ..... ۱۵۱

ب) دعا ..... ۱۵۷

ج) خلوت ..... ۱۶۰

۳. مقامات ..... ۱۶۱

الف) مقام توبه ..... ۱۶۱

ب) مقام صبر و رضا ..... ۱۶۴

ج) مقام شکر ..... ۱۶۹

د) مقام توکل ..... ۱۷۲

۴. واردات احوال ..... ۱۷۷

الف) حال خوف و رجا ..... ۱۷۷

ب) حال محبت ..... ۱۷۹

ج) حال قرب و بعد ..... ۱۸۴

د) حال یقین ..... ۱۸۷



فصل سوم: معرفت نزد نقری ..... ۱۸۹

- تمهید ..... ۱۹۱
۲. ابزار و طریق معرفت ..... ۲۰۶
۳. مرتبه علم ..... ۲۱۰
- الف) مرتبه امر و نهی الهی ..... ۲۱۰
- ب) علم به منزله گذرگاه نه مرتبه توقف ..... ۲۱۸
۴. معرفه المعارف ..... ۲۲۱
۵. معرفت و علم ..... ۲۲۳
۶. عارف بین حق و خلق ..... ۲۲۷
۷. معرفت الهی موهوبی است ..... ۲۳۱
۸. وقفه ..... ۲۴۱
۹. العارف والوقفه ..... ۲۴۵
۱۰. غایت معرفت ..... ۲۵۲

فصل چهارم: شهود احدیت در وجود ..... ۲۵۷

۱. تمهید ..... ۲۵۹
۲. فرایند وجود موجودات ..... ۲۶۰
۳. مراتب موجودات ..... ۲۶۶
۴. شهود احدیت ..... ۲۶۹
- تذنیب ..... ۲۷۸
- خاتمه بحث ..... ۲۸۲

مآخذ ..... ۲۸۹

- مراجع البحث العامة ..... ۲۹۱
- منابع لاتین ..... ۲۹۴

## مقدمه مترجمان



یکی از ارزشمندترین دستاوردهای تمدن ایران اسلامی عرفان و تصوف است که اصلی‌ترین آبشخور و خاستگاه آن آیات الهی قرآن مجید یا قرائت خاص از آیات کلام الله مجید است، برخی شمار آياتی را که عرفا در دوره‌های مختلف از آن برداشت‌ها و تأویل‌های عرفانی کرده‌اند، بیش از چهارصد آیه بر شمرده‌اند، این قرائت با سنت و سیره نبوی و سیره ائمه علیهم‌السلام و دیگر اندیشمندان جهان اسلام آبیاری شد و رشد کرد. محققان و مفسران در شرق و غرب عالم بین آموزه‌ها و سلوک و اندیشه‌های عارفان مسلمان و عارفان و سلوک و اندیشه‌های پیروان دیگر ادیان، همانند اغلب جریان‌های فکری و ذوقی در عالم، شباهت‌هایی نشان داده‌اند؛ ولی وجود این‌گونه شباهت‌ها بین دستاوردهای علمی و ذوقی انسان در بین مکتب‌های برآمده از بشر و مکاتب الهی امری بدیهی است و وجود چند شباهت در سلوک و لباس و رفتارهای اجتماعی و برخی شباهت‌های دیگر نمی‌تواند دلیل کافی باشد بر اینکه خاستگاه عرفان اسلامی را جزء اندیشه‌های توحیدی اسلام دانست و ریشه‌های آن را در آبشخورهای فکری شرق و غرب و غیر مسلمانان جست‌وجو کرد. اعتقاد به خدای واحد، تخلق به صفات الهی، هدف و غایت عرفان اسلامی و تأکید بر آیات کلام الله مجید و سنت نبوی، اصلی‌ترین شاخص‌هایی است که

عرفان اسلامی را از جریان‌های فکری و ذوقی مشابه در عالم متمایز می‌کنند.

بنیاد اندیشه‌های عرفانی را به‌درستی اعم از هستی‌شناسی عرفانی، رابطه انسان با خدا و... و سلوک عارفانه را پس از قرآن کریم، بیش‌ازهمه در سنت و سیره نبوی و پیشوای متقیان جهان، امام علی علیه السلام و صحابه و تابعین دانسته‌اند. برخی از پژوهشگران تاریخ عرفان و تصوف اسلامی، کیفیت زندگی زاهدانه رایج در صدر اسلام و بیش‌ازهمه، زیست زاهدانه اصحاب صفة را جلوه‌های آغازین تصوف به حساب می‌آورند؛ ولی درحقیقت، زیست زاهدانه شماری از یاران پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در بخشی از مسجد النبی در صفة مسجد رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیش از آنکه انتخابی برای آنان بوده باشد، بیشتر از وضعیت اقتصادی جامعه آغازین اسلام ناشی می‌شد و ادامه ندادن آن‌گونه زندگی در بین مسلمانان پس از فتح دیگر کشورهایی که برای مسلمانان ثروت و مُکنت به اوجان آورد، می‌تواند دلیل بر انتخابی نبودن آن‌گونه زیستن باشد.

مسلمانان صدر اسلام یعنی صحابه، آموزه‌های زاهدانه و پرهیز از دنیا طلبی و... را که از اندیشه‌های بنیادین عرفان و تصوف است مکرر از زبان پیغمبر اسلام شنیده بودند، همچنین آموزه‌های اصلی عرفانی که همواره عارفان مسلمان در طی اعصار و قرون به آن استناد کرده‌اند، بیش‌ازهمه به سخنان و سیرت ایشان متکی است. خطبه‌ها و نامه‌ها و دعاهای حضرت امیر علیه السلام و دیگر ائمه شیعه، سرشار از مضامینی همچون انقطاع تام و تمام مسلمان کامل یا عارف وارسته جز از حضرت حق است که غایت و جوهره عرفان اسلامی است.

عارفان مسلمان، اندک‌اندک به اندیشه‌های عرفانی موجود در قرآن

کریم و سخنان پیغمبر اسلام ﷺ و پیشوایان دینی پی بردند و در آن غور و تعمق کردند و سعی کردند اندیشه‌های ناب توحیدی را بیان کنند و برخی از آن را که متوجه ابعاد وجودی انسان بود در وجود خود تحقق بخشند. تبلور اولیه زهد پس از اصحاب صفه در نیمه دوم قرن اول، زهاد ثمانیه بودند که در ظاهر از نظر سیاسی با حاکمیت حکومت تجمل‌گرای آن زمان مخالف بودند که زهد آنها را باید نوعی مبارزه منفی تلقی کرد. این گروه از زاهدان که معروف‌ترین آنها حسن بصری است خلیفه را نیز موعظه می‌کرد. گروهی از همین زهاد و قزاد در قیام علیه حجاج به سرکردگی عبدالرحمان اشعث در دیر جماجم شرکت داشتند. اغلب زاهدان این دوره و قرن دوم، محدث بودند و در ایران و عراق و مصر و شام سکونت داشتند و کتاب‌های متعدد اکنون در دسترس ما به‌شماره دستاورد آنهاست.

زهد اولیه در آثار صوفیانی چون بحارث بن اسد محاسبی، کم‌کم در اواخر قرن دوم و نیمه اول قرن سوم هجری قمری به سمت وسوی اخلاق پیش رفت و در نیمه دوم قرن سوم هجری قمری عرفانی در سرزمین‌های اسلامی و جریان‌ها یا مکاتب مختلف عرفانی که برخی از آنها به حوزه‌های جغرافیایی و برخی دیگر به جریان‌های فکری و برداشت‌های خاص تعلق داشت، شکل گرفت. تألیف‌های این دوره در جریان‌شناسی عرفان اسلامی بسیار مهم و درخور توجه است تا آنجا که آبخور اصلی جریان‌ها و مکاتب فکری عرفانی را باید در این دوره جست‌وجو کرد. کم‌کم واژه‌هایی چون «عشق»، «محبت»، «فنا و بقا»، «صحو و سکر»، «وقت»، «حال»، «جمع و تفرقه»، «ذوق»، «محو و اثبات»، «تجلی» و... وارد زبان عرفان شد و عارفان و صوفیان نامدار در حوزه‌های مختلف عرفان در جهان اسلام ظهور کردند. در



این دوره، کم‌کم، عرفا بیش از پرداختن به ریاضت‌های دشوار به تدبیر و تفکر و بیان حال و تجارب عرفانی روی آوردند و کم‌کم جنبه‌های نظری و علمی در تصوف برتری یافت و کتاب‌های متعدد در عرفان و تصوف تألیف شد و مکاتب و طریقت‌های عرفانی در این دوره از هم متمایز شدند. گسترش ابعاد نظری عرفان و تعدد منابع مکتوب و مکاتب متعدد و طریقت‌های مختلف در این دوره رواج یافت، شیوع اندیشه‌های عرفانی در جهان اسلام، مقدمات تألیف و تدوین کتاب‌هایی از جنس طبقات‌الصوفیه را در قرن چهارم هجری و قرون بعد فراهم کرد. این دوره، از نظر پیدایش کتاب‌های اساسی و شکل‌گیری آرا و آداب عرفان از مهم‌ترین ادوار تصوف اسلامی است.

ابو عبد الله محمد بن عبدالله نقری یکی از بزرگترین عرفای جهان اسلام و از شیخ‌بیت‌های شگفت‌انگیزی است که در همین دوره که اوج شکوفایی عرفان سنی-ایرانی است، ظهور کرد. از نقری در آثار صوفیه معاصر خود و پس از او در زمان ابن عربی و تلمسانی، هیچ نام و نشانی نیست. علت گمنامی نقری در همین کتاب که در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد و اندیشه‌های صوفیانه وی در کتاب دیگری همگام با همین کتاب یا با کمی تأخیر پس از این کتاب با عنوان مقدمه‌ای بر احوال و آثار و افکار نقری در اختیار خوانندگان علاقه‌مند به تصوف و عرفان قرار خواهد گرفت، به تفصیل سخن رانده شده است.

دلایلی چون عدم اقامت نقری در یک جا و نام و نشان را در گمنامی و بی‌نام و نشانی جستن، در ناشناختگی او بی‌تأثیر نبوده است و مهم‌تر از این، تصویری است که اغلب آشنایان به تصوف و عرفان از صوفیان در ذهن و خاطر دارند. اغلب افرادی که اندک آشنایی با تصوف و عرفان دارند، عارفان را انسان‌هایی اهل تسامح و تساهل

و بردبار در مقابل مردمان، به ویژه مخالفان خود به حساب می آورند. ممکن است این ویژگی ها را در مکتب و جریان فکری عرفانی متکی به عشق و محبت که اکثر آنان از خراسان بزرگ برآمده اند پذیرفت؛ ولی چنین دریافتی درباره همه جریان های فکری و مکاتب صوفیانه صادق نیست و نمایندگان برخی از مکاتب صوفیه، هرگز اهل تسامح و تساهل و مدارا نبوده اند.

درست هنگامی که ابونصر سراج طوسی یا دقیق تر بگویم نیشابوری متوفای (۳۷۷ ه.ق.)، طبقات الصوفیه خود را که این کتاب و اغلب آثار تألیفی معاصران وی نماینده تام و تمام طریقت صوفیه بغداد است، تألیف می کرد، نقری در بابل یا نیپور یا همان نقر در نزدیکی او می زیست و آرا و عقاید و طریقت و سلوک او به اندازه کافی شناخته شده بود. اگر سراج نیشابوری و دیگر معاصرانش با طریقت عرفانی نقری مخالفتی نداشته اند که پانزدهش آن بسیار دشوار و دور از ذهن است، دست کم باید گفت به جریان فکری نقری و افکار او بی اعتنا بودند و از اظهار نظر درباره آن، عامدانه خودداری می کردند.

در طبقات الصوفیه سراج نیشابوری از شمار زیادی از عارفان مسلمان ممالک شرق و غرب اسلامی سخن به میان آمده است؛ ولی چگونه است که وی از اشاره ای حتی بسیار کوتاه درباره نقری که در نزدیکی اوست خودداری کرده است. برخوردهایی این چنین، یعنی نادیده گرفتن آگاهانه طریقات مختلف صوفیه که با طریقت رایج صوفیه و عارفان بغداد به نوعی زاویه داشتند یا اندک مخالفت یا انکار را در حق آنها روا می داشتند در اللمع و دیگر امهات آثار عرفانی رایج در این دوره و بعد از آن به نقری محدود نمی شود، همین عدم تساهل و تسامح در حاکمیت اندیشه صوفیانه و عارفانه بغداد بود که باعث

شد نام و مشخصات و طریقت‌ها و اقوال بسیاری از صوفیان نامدار در تاریخ تصوف ثبت نشود و در دوره‌های بعد، نقاب از چهره گمنامی بسیاری از آنان برداشته و بسیاری دیگر از آنان هم چنان در حجاب گمنامی به سر برند که درباره بسیاری از آنها ارائه یک بند گزارش دقیق و علمی را برای محققان، بسیار دشوار و غیر ممکن ساخته است؛ درحالی‌که هریک از آنان در زمان خود از نام و نشان و طریقت و سلوک و احوال و اقوال خاص برخوردار بوده‌اند.

آثار عرفانی فارسی هم که در دوره‌های بعد تألیف و تدوین شدند، به نوعی وارث فکر و اندیشه همین امهات آثار عرفانی عربی طریقت حاکم بر بغداد بودند، چنین است که قریب به یقین می‌شود گفت که در تمام آثار عرفانی فارسی، نامی و نشانی از افرادی چون نقری و امثالهم نیست، نه در متون آموزشی و نه در مصطلحات عرفانی سخنی از آنان نقل نشده است و نه در اقوال و آثارشان، حال آنکه طریقت عرفانی افرادی چون نقری از شاخص‌های ویژه‌ای برخوردار است که بسیاری از طریقت‌های رایج زمان خود متمایز است. اگر از سلوک عرفانی و ریاضت نقری چشم‌پوشی کنیم، به قطع و یقین می‌توان گفت که اساس اندیشه‌های عرفانی وی بر «وقفه» و «مخاطبه» نهاده شده است و افرادی که آثار وی را پس از او گردآورده‌اند براساس همین دو اصطلاح، آثار وی را تقسیم‌بندی کرده‌اند و بخشی را مواقف و بخشی را مخاطبات نام نهاده‌اند. نویسنده کتاب المقدمه للنقری که ترجمه آن با عنوان «مقدمه‌ای بر احوال و آثار و افکار نقری» در دسترس خوانندگان قرار گرفته است این حذف و سانسور را در تاریخ تصوف و عرفان ناشی از دیدگاه سیاسی نقری تلقی کرده‌اند، این دیدگاه صحیح می‌نماید؛ ولی نویسنده در تبیین آن راه اغراق پیموده است.

نویسنده کتاب المقدمه للتفری می‌توانست صریح و شفاف بگوید  
نقری از نظر کلامی و اعتقادی در زمره جریان غالب صوفیان رایج بغداد  
قرار نمی‌گرفت و اندیشه‌های کلامی و اعتقادی وی شیعی بود.

خلاً شناخت نقری در پژوهش‌های عرفانی هم وجود دارد و بخش  
چشمگیری از دل مشغولی‌های محققان دانشگاهی در رشته زبان  
و ادبیات فارسی و الهیات و عرفان و ادیان نیز هست. نویسنده این  
کتاب، شروع پژوهش‌های اولیه را درباره نقری در زبان عربی سال (۱۹۳۴ م)  
می‌داند که آربری نسخه‌هایی از آثار نقری را یافت و آنها را معرفی  
و منتشر کرد و از آن تاریخ، محققان عرب درباره نقری و آثار و سبک  
بیان او آثار مهمی پدید آوردند؛ در حالی که پژوهش درباره نقری در ایران  
محدود به چند مقاله است.

نویسندگان این کتاب هم‌دوازده ترجمه کتاب المقدمه للتفری  
تألیف یوسف سامی الیوسف که با عنوان «مقدمه‌ای بر احوال و آثار و  
افکار نقری» ترجمه شده و هم‌زمان با این کتاب در اختیار خوانندگان  
محترم قرار می‌گیرد و کتاب فلسفة التصوف مؤلفه عبدلجبار  
التفری که رساله دکتری آقای جمال احمد سعید مرزوقی تحت  
اشراف دکتر ابوالوفا غنیمی تفتازانی، استاد فلسفه اسلامی و تصوف  
در دانشگاه قاهره است و اکنون به زبان فارسی با عنوان «فلسفه عرفان  
نقری» ترجمه شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد، مقدمه‌ای  
برای آشنایی فارسی‌زبانان با این عارف متفکر باشد. توفیق اتمام  
ترجمه مقابل کتاب موافق و مخاطبات را از خدای متعال خواستاریم.  
و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین

# مقدمه نویسنده



علاقه ما به میراث مکتوب اسلامی و مسئولیت ما در برابر شخصیت‌های مهمی که همچنان گمنام مانده‌اند، ما را ملزم کرد شخصیت و آرا و افکار نقری را موضوع تحقیق خود قرار دهیم. در اجرای این پژوهش دو هدف را در نظر داشته‌ایم:

● هدف اول: کشف زندگی‌نامه، خانواده و خاستگاه و بررسی آثار نقری.

● هدف دوم: تبیین کامل و متمایز مکتب عرفانی نقری، طوری که از خلال این پژوهش بتوان در بیان میزان اصالت و ابتکار این مکتب عرفانی چقدر است.

در دستیابی به این اهداف ترجیح دادیم شخصیت، آرا و عقاید نقری را از طریق آثار و مستندات، مطالعه و بررسی کنیم. مبنای کار ما برای نیل به این اهداف، تحلیل متون و داده‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر است و در عین حال از شیوه مطالعه تاریخی غافل نبوده‌ایم تا جایگاه نقری را در تاریخ تصوف و ارتباطش را با گذشتگان و تأثیرش را بر آیندگان تبیین نماییم. این پژوهش از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

در بخش نخست، در فصل اول به تفصیل به زندگی‌نامه نقری و جایگاه او و تأثیر او بر صوفیان بعد از او پرداخته‌ایم. در فصل دوم از

این بخش به آثار نفّری و ویژگی‌های آن توجه و آثار نفّری دسته‌بندی و مشخص شده است و مختصات هریک از آنها اعم از جنبه ادبی و عرفانی معرفی شده است.

در بخش دوم این پژوهش، تصوف را از منظر نفّری بررسی کرده‌ایم. این فصل، خود به چهار بخش کوچکتر تقسیم شده است.

• اول: تصوف نفّری و اندیشه فنا در آن را که اساس شکل‌گیری تصوف نفّری بر آن بنا نهاده شده است، بررسی کرده‌ایم. محور اصلی این اندیشه به‌زعم نفّری «الفناء عن شهود السوی» یا فنا از رؤیت ماسوی است، علاوه بر آن تبیین خواهیم کرد نفّری این اندیشه بنیادین را در تمام مراحل سلوک چگونه به کار گرفته است.

• دوم: در این فصل از مقامات و احوال سلوک از منظر نفّری سخن گفتیم. سپس از واردات احوال و کیفیت آنها در نزد نفّری داد سخن خواهیم داد و بیان خواهیم کرد چگونه نفّری اندیشه بنیادین خود در سلوک یعنی فنا از ماسوی را در تمام مقامات و احوال به کار بسته است.

• در فصل سوم درباره معرفت از منظر نفّری بحث شده است. این فصل، مقدمه و پیش‌درآمدی دارد که در آن توضیح داده‌ایم چگونه سالک به معرفت محقق می‌شود و به آن دست می‌یابد و سپس از موضوع معرفت و ابزار و شیوه‌ها و اهداف آن از منظر نفّری سخن به میان آورده‌ایم و تبیین کرده‌ایم که او چگونه اندیشه فنا از ماسوی را برای تحقق و حصول معرفت به خدمت گرفته است.

• در فصل چهارم شهود احدیت در وجود را از دیدگاه نفّری دنبال کرده‌ایم و در آن از تصور نفّری نسبت به وجود و مراتب آن سخن

گفته‌ایم و در پایان این فصل، احادیث و شهود از منظر نفّری را مورد بررسی و تحقیق قرار خواهیم داد.

در خاتمه این پژوهش چکیده مهم‌ترین نتایج بحث خود را درخصوص احوال و زندگی و آثار و مذهب نفّری در تصوف ارائه کرده‌ایم. این مختصر، مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده این پژوهش است. ناظر این پژوهش، استاد بزرگوار دکتر ابوالوفا غنیمی تفتازانی، استاد فلسفه اسلام و تصوف و معاون دانشگاه قاهره در تحصیلات تکمیلی است.

استادم در همکاری با بنده از هیچ کوششی دریغ نوزید. خواندن و درک بسیاری از این متون را برایم تصحیح و تسهیل کرد و پرده از معانی و ابهام‌های آن برداشت و راز و رمز آنها را گشود. وی از خطاهای بی‌شمار علمی بنده که عمدتاً مربوط به آن دچار شوم جلوگیری کرد و به عبارتی می‌شود گفت که این پژوهش نمونه رهنمودهای ایشان است. خدای بلندمرتبه به ایشان پاداش نیک دهد. در پایان امیدوارم توانسته باشم زندگی نامه نفّری را به نسبت او را در تصوف و جایگاه شایسته و بایسته او را در تاریخ حیات معنوی اسلام بیان کرده باشم.

والله الموفق والیه یرجع الامرکله